



سورة حدید
۱۳-۹۱

علوم روز و تجسم اعمال

قیل اذیعوا وراکم فالتمسوا نوراً

: بدلیا باز گردید و ازاها تحصیل نور گنید .

در شماره گذشته در باره مزای اعمال بطور اجمال سخن گفتیم ، و یکی از نظرات در جزاه اعمال این شد که خود عمل ، روز ستا خیز بصورت نعمت و یا عذاب تجسم میگردد . مثلاً تلاطم و فقرهای احتکار شده که با نداشت نیازمند مردم بصورت گنج در امانت است . در سایر دیگر بیوسته و لباس ظاهری خود را بدور افکنده ، و آتش سوزان بر اعمیحتکران خواهد شد .

از آنجا که حق این نظر در مقاله گذشته اداء نگردید بطور رسید که آنرا ازینکه محضای دیگر که با اصول بحثهای امروز دانشمندان نیز وفق دهد ، تقیب نمائیم و با در این مقاله خلاصه نظر و هوادان این نظریه ، را نمائیم .

برای اثبات امکان تجسم اعمال گذشته . میتوان از اصول مسلم فیزیکه استفاده کرده و گفت : تجسم عمل در روز ستا خیز از قبیل تبدیل نیرو به جسم ، و در انرژی ، به ماده است . از آنجا که تمام فیزیستهای ، جهان تبدیل ماده را به انرژی امر مسلم میدانند ، پس باید تبدیل نیرو و پدید آمدن آن نیز ممکن و مسلم تلقی کنند ، زیرا ماده و انرژی یکی است در صورتیکه در بعضی حالات افراط بخود است در دو حالت . بدین معنی ، نیرو و انرژیهای متر اکم ، ماده است . که اگر حالت افراط بخود بگیرد ، بحالت نیرو و انرژی در میآید .

اگر تبدیل ماده به نیرو و انرژی امری مستطابق و مسلم ، پس عکس آن که نیرو و بصورت ماده (جسم) در آید ، جایز و مسلم خواهد بود .

اینک توضیح مطلب

۱ - آخرین نظر در باره ماده و انرژی ، اینست که ماده و نیرو دو مظهر از یک حقیقت است ، و ماده انرژیهای متر اکم و فشرده است که در شرائط معینی ، به نیرو تبدیل میگردد ، گاهی

انرژی تهیه و در یک گرم ماده ، معادل با قدرت انفجار متجاوز از سه هزار تن دینامیت است . و در یک گرم خالص بقدره ، انرژی ذخیره شده که از محصول یکمال کارخانه بزرگ برقی تجاوز میکند این همان ماده است که در حالت انبساط بصورت انرژی جلوه میکند ، که اگر حالت انبساط آن در میان برود و بحالت متراکم و فشرده گی برگردد ، با بحالت جرمیت و جسمیت بخود میگرد .

۲ - اصل بقاء ماده - کاشف کسل این قانون و لا اذیه بود ، او در سال ۱۷۷۵ موفق به کشف این مطلب شد که مقدار ماده و حرم جهان ثابت است و چیزی خارج آن مطلقاً کم نمیشود بلکه تغییر صورت یابد گرچه این قانون پس از کشف اجسام و اادیوا کثرتیه و اثبات تبدیل ماده به انرژی اثبات خود را از دست داده ولی بصورت اصل بقاء ماده - انرژی تصحیح گردید .

۳ - اصل بقاء انرژی ، این اصل نیز وسیله پیشین دان فراسوی کشف گردید . و آزمایشهای پایان اثبات کرده که اگر در تمام یک فصل و اتصال شیمیائی ، و پدید آمدن واحدی بنام «الف» از حوزو ، محتاج به مصرف کردن مقداری حرارت باشیم ، در باز گردانیدن مرکز به جزء اصل ، حرارت مصرف شده پس گرفته خواهد شد .

۴ - تبدیل ماده به انرژی ، جهان آفرینش ماده ، بر اساس تبدیل ماده به نیرو استوار است . در روز از مرکز منظومه شمسی ما (خورشید) ۳۵۰۰۰۰ میلیون تن ماده ، برای پرورش جانداران و گیاهان به انرژی و نیرو تبدیل میشود ، اساساً هر موجود زنده ای از طریق نفس کشیدن ، خوردن و آشامیدن ، پاری ای از مواد حیوان و اجزای خود میتابد ، سپس در مواقع کارآنها را تبدیل به ، بصورت انرژی بیرون میریزد ، و اگر ماده ای ذخیره شده در بدن انسان ، بیجان بحالت باقی میماند ، چیزی نمیگذرد که بدن ، تعادل خود را از دست میدهد .

۵ - «حقیقت کار» در انسان چیست . انسان که جزئی از جهان ماده است ، حقیقت «کار» و در عمل ، آوازه است که در انجام هر عملی خوب یا بد ، ذخایر بدن خویش را بصورت انرژی خرج میکند ، او اگر نماز بخواند ، در حقیقت ، در تمام لحظه ها و حالات نماز ، مقداری از ماده ، بصورت انرژی در میآید و اگر مستند بهای دانی بر شرای خود قرار میدهد ؛ نیروی حلالی زدن مواد بدن را در این طریق صرف می نماید و همچنین است تمام کار خوب یا بدی .

۶ - تبدیل نیرو و انرژی به ماده ؛ نتیجه اصول پنجگانه فوق ؛ اصل ششم است زیرا اگر پذیرفتیم که ماده و انرژی مانند آب و یخ و چهار جلوه هائی از یک حقیقت هستند اگر اصل بقاء و ماده - انرژی ، مورد اتفاق فیزیکیستهای جهان است ،

اگر تمام فعلیهای خوب بدین اساس از قبیل تبدیل ماده به نیرو است ، در این حال روی اصول فوق هرگز مانعی نخواهد داشت ، نیروها و انرژیهای بخش شده با دیگر بحالت متر اکم

درآمده ، حالت جسمی و جسمی بخود بگوید ؛ و بیرونی که در راه صلاح و دستکاری، در راه جوهر و جسم نکاد برده ، به حالت فشرده گی در آید ، و صورت جسمانی خاصی در روز یازدهمین مجسم کردند بنا بر این امکان این مطلب قابل قبول است .

دلایل نقلی نظریه تجسم اعمال

طرفداران نظریه فوق ، با بسیاری از آیات و روایات بر نظریه خویش استدلال کرده اند که برخی از آنها اصل تجسم عمل را اثبات میکند ، و برخی دیگر متعرض خصوصیات آنها نیز میباشد و بطور اجمال به اقسامی از آنها اشاره مینمایم .

الف : از باره ای از آیات و روایات بدست میآید که خود اعمال در روز ستاخر حاضر

میکردد ، چنانکه میفرماید : **و وجدوا ما عملوا حاضرا ولا یظلم ربك احدا**

(کهف - ۴۹) یعنی آنچه انجام داده اند حاضر میباید بنده پروردگارتو کسی راستم میکند (۱)

ب - از آیاتی استفاده میشود که جهان کثیرا سرای دیگر است و عمل انسان همان دانه ایست که کشاورز در دل خاک فرود میبرد ، سپس همان دانه رشد و نمو کرده ، و کشاورز همان دانه را با مقادیر زیاد نوری بر داشت میکند ، اعمال انسان در این جهان با تبدلات و تغییرات بیشتری که لازمه آنسرا است ، بخود انسان باز گشته و آنچه را کاشته با مقدار زیاد نوری درو میکند چنانکه میفرماید : **من كان يريد حرث الآخرة نزدله فی حرثه** (شوری - ۴۲) .

یعنی : هر کس ، کشت آخرت را خواهد کشت ، او را افزایش میدهد ؛ امیر مؤمنان فرموده

العمل الصالح حرث الآخرة (نوح البلاغه ج ۱ ص ۵۶) یعنی کار نیک ، کشت آخرت است .

ج - صریح آیه مورد بحث که در آغاز مقاله مشاهده میکنید این است که حسلمات این سرای

در جهان دیگر بصورت نور و روشنائی در میآیند ، و مؤمنان در پاسخ منافقان چنین میگویند :

و باز گردید ، این نور را از دنیا طلب کنید **صالح علوم انسانی**

جای شک نیست که اینگونه آیات و روایات را میتوان حمل بر مجاز و استعاره کرد .

بسیاری از آنها لفظ و جزاء ، در تقدیر گرفت ولی آیا ما مجازیم که از پیش خود چنین کاری

را انجام دهیم .

این اجمال نظریه طرفداران تجسم اعمال است که بطور فشرده منعکس

گردیم .

(۱) این مضمون در آیه های ۱۴ و ۱۳ سوره تکوین و آیه ۳۰ سوره اعراف و آیه ۱۴ سوره

لقمان و غیره نیز وارد شده است .